

## منشا جدال جناحهای جمهوری اسلامی و راههای مقابله با رژیم (بخش دوم)

محمد آسنگران

در بخش اول این نوشته به بخشهایی از ابعاد فعالیت سپاه پاسداران در سیستم قدرت جمهوری اسلامی پرداختیم. در ادامه این بحث به ماهیت و چگونگی اختلاف جناحهای جمهوری اسلامی با همدیگر در پرتو نقش سپاه پاسداران میپردازیم. و در پایان به تقابل و اعتراض جنبشهای اجتماعی در ایران علیه کل حکومت اسلامی و راههای مقابله با این مافیای قدرت و ثروت را پی خواهیم گرفت.

همزمان با این توافق استراتژیک رقابت و استکاک جناحهای رژیم در مقابل هم مسئله ای غیر قابل حل بوده است. چه در دوران بازرگان و چه بعدا در دوران بنی صدر، رفسنجانی، خاتمی، احمدی نژاد و امروز روحانی، در همه این دوره ها مقامات دولتی شامل نخست وزیر و ریاست جمهوری با رهبر جمهوری اسلامی و مقام ولی فقیه دارای اصطکاک بوده اند. هیچ دوره ای در جمهوری اسلامی یافت نمیشود که این دو ارگان رهبری جمهوری اسلامی با هم منطبق و هماهنگ عمل کرده باشند.

اما در عین اختلافات و عدم انطباق این دو ارگان اصلی که خود ریشه در قوانین و احکام اسلامی دارند، جمهوری اسلامی همیشه یک ارگان مسلط داشته است که در سیاست داخلی و خارجی حرف آخر را زده است. ارگان ولی فقیه با پشتوانه سپاه پاسداران ارگان مسلط و سکان اصلی قدرت جمهوری اسلامی بوده و خواهد بود. این ارگان رکن غیر قابل حذف همه دوره های جمهوری اسلامی بوده است و تا پایان عمر این رژیم این اصل با هر شدت و وضعی که پیدا کند پا بر جا خواهد بود. تاریخ عمر جمهوری اسلامی را اگر نگاه کنیم متوجه خواهیم شد در دوره احمدی نژاد، و بهشتی و باهنر این دو ارگان اصلی رژیم اسلامی با هم از یک جناح بوده اند. اما با این حال

صفحه ۲

جدال جناحهای جمهوری اسلامی به قدمت عمر این رژیم است. هیچ دوره ای جمهوری اسلامی نتوانسته است از جدال جناحها با همدیگر خود را خلاص کند. خود این جدالها ریشه در سیاست و قانون رژیم دارد. سیاست و قوانین جمهوری اسلامی دو مولفه و منشا مهم در جدال جناحهای رژیم بوده و هست. این مسئله ای غیر قابل اجتناب است. ابتدا به این دو مولفه و تاثیر آن در حکومت نگاهی بیندازیم.

### اختلاف جناح بندیهای

رژیم اسلامی و مبانی سیاسی و قانونی آن لازم به تاکید است همه جناحهای رژیم اسلامی در تمام دوره های حیات این رژیم بر سر حفظ و استحکام جمهوری اسلامی توافق داشته اند. اما

### نسان نودینیان

۶ مرداد ۹۶ مرز "شیوه ره ش" در مسیر "حاجی عمران" و "پیرانشهر" بدستور نهادهای حکومت اسلامی بسته میشود و مانع تردد و حضور هزاران نفر از کولبران و کارگران مرزی میشوند. فشار امنیتی و نظامی، شلیک مستقیم بطرف کولبران جانباختن صدها نفر از آنها، آتش زدن اموال آنها، کشتن اسب ها، بخش عمده از زندگی هزاران نفر از مردمی است که بجای اشتغال و امنیت حقوقی و جانی با هیولایی به اسم بیکاری گرفتار شده اند. دستفروشی و کار در مرزها و کولبری شغل نیست. تراژدی بقا برای هزاران نفر از جوانان و کارگرانی است که فاقد موقعیت شغلی، هستند. در مرز "شیوه ره ش" بیش از

۶۳۰۰ نفر با بستن مرز از ادامه کار محروم میشوند. در مرزهای مشترک ایران و عراق ده ها محل تجمع کولبران وجود دارند که هزاران نفر از کارگران بیکار به کولبری مشغولند. آمار کولبران هزاران نفر است. و هر روز بر تعداد آنها افزوده میشود.

### صورت مساله بیکاری میلیونی در دولت روحانی و حکومت اسلامی است.

چاه بیکاری جوانان تحصیل کرده، اخراج و بیکارسازی های زنجیره ای در سطح میلیونی هر روز عمیق و روستاهای کردستان هر روز بر ابعاد بیکار و بویژه بیکاری جوانان تحصیل کرده افزوده میشود. مطابق آمار منتشره از سوی مرکز ملی آمار ایران، نرخ آمار

## کولبران و بیکاری در کردستان!

بیکاری بهار ۱۳۹۶ کردستان نسبت به بهار ۱۳۹۵ افزایشی ۱.۷ درصدی را نشان می دهد که این افزایش نرخ بیکاری در مقایسه با میانگین کل کشور بیشتر است. افزایش نرخ بیکاری بهار ۹۶ کردستان نسبت به بهار ۹۵ در حالی اعلام می شود که مطابق آمار منتشره از سوی مرکز ملی آمار ایران، نرخ آمار بیکاری بهار ۱۳۹۵ کردستان نسبت به بهار ۱۳۹۴ افزایشی ۲.۲ درصدی را نشان می دهد و این بدان معنی است که نرخ بیکاری از بهار ۹۴ تا بهار ۹۶ در کردستان ۳.۹ درصد افزایش پیدا کرده است. کار در مرزها و کولبری هزاران نفر محصول شرایطی است که اقتصاد سیاسی دولت روحانی به

صفحه ۳

### فضولی اسلام و مردسالاران در زندگی زنان موقوف!

مینا احدی

صفحه ۳

### اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطف الهی

صفحه ۴

### ده کارگر بازداشتی هفت تپه آزاد شدند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

### نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان

صفحه ۵

### اعمال فشار بر وثیقه گذاران جعفر عظیم زاده را قویا محکوم میکنیم

اتحادیه آزاد کارگران ایران

صفحه ۵

### از دادخواست خانواده های جانباختگان دهه شصت قویا حمایت می کنیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **منشا جدال جناحهای ...**

محمد آسنگران

اگر در دوره باهنر و بهشتی اختلاف آنها با خمینی زیاد برجسته نشد، دلیل آن به مدت زمان کوتاه ریاست این دو مربوط است. چنانچه دیدیم در دوره احمدی نژاد با وجود اینکه یک جناح رژیم هر دو ارگان مربوطه را در دست داشت اختلافات این دو رکن اصلی جمهوری اسلامی با هم بسیار آشکار و غیر قابل انکار شد.

دوره ریاست جمهوری رفسنجانی تا حدودی از دوره های دیگر متفاوت است. زیرا او هم از جناح مسلط بود هم یکی از معماران اصلی جمهوری اسلامی بود. این دو ویژگی به او این امکان را داد که اصطکاک با ولی فقیه را با کمترین بروز علنی مدیریت کند. اما عمق استراتژی متفاوت آنها برای حفظ جمهوری اسلامی چنان عمیق و گسترده بود که تمام اختلافات بعدی در جناح بندیهای جمهوری اسلامی از آنجا ناشی میشوند.

اختلاف سیاسی و استراتژیک جناح دولت با جناح ولی فقیه و سپاه پاسداران علاوه بر ریشه و منشا ایدئولوژیک (احکام اسلامی و شریعت) مربوط به سیاست متفاوت آنها برای حفظ رژیم است. جناح سپاه پاسداران و ولی فقیه که شامل قوه قضائیه و مجلس شورای نگهبان و مجلس خبرگان و بیت رهبری و بنیاد های مذهبی و امامان جمعه ... میشود، همگی تابع بدون چون و چرای ولی فقیه هستند و به حکم او در این پستها گماره میشوند. این جناح که ستون اصلی جمهوری اسلامی محسوب میشود دو سیاست ثابت را پی گرفته است. یکی حکومت باید بر اساس قوانین اسلامی و قرآنی شریعت باشد و دیگری ضدیت با آمریکا و غرب از سیاستهای همیشگی آنها بوده است. این جناح که به اصولگرا معروف شده است یک وجه استراتژی خود برای حفظ رژیم اسلامی در ایران را بر مبنای گسترش اسلام نوع خود در "جهان اسلام" و در نهایت کل

جهان تعریف کرده است. این همان سیاست و ایدئولوژی داعشی است که امروزه بیش از گذشته بر سر زبانها افتاده است. بحث صدور انقلاب از جانب خمینی از این اصول اسلامی ناشی میشود و جناح اصولگرا ادامه حیات حکومت خود را منوط به پیگیری این اصول اسلامی میداند.

اینجا لازم به تاکید است که بدانیسم پیگیری این اصول برای حاکمان رژیم اسلامی فقط جنبه ایدئولوژیک ندارد، بلکه آنها حفظ و گسترش دامنه قدرت و ثروت خود را از این مسیر و با اتکا به این احکام اسلامی ممکن میدانند. آنچه به اسم انتخابات و رای شهروندان و حقوق شهروندی و سیستم پارلمانی و کل حکومت داری مدرن برمیگردد و ما شباهتهایی از اینها را در جمهوری اسلامی مبینیم هیچ ربطی به سیستمهای اداره جامعه امروزی ندارند. زیرا همه این نمایشات انتخاباتی و ریاست جمهوری و مجالس و مقامات دولتی و حکومتی ... فقط وقتی برای راس حکومت قابل اجرا و قابل تحمل است که ولی فقیه به وجود آنها رضایت بدهد و تفویض اختیار کند.

برای مثال اگر انتخابات ریاست جمهوری را به عنوان مثال مورد بررسی قرار دهیم علاوه بر غریبال تایید و رد صلاحیتها برای کاندید شدن، کنترل ارگانهای مسئول برای این کار در دست ولی فقیه است. بر اساس سیاست و قوانین جمهوری اسلامی فقط مردان اسلامی وفادار به رژیم و ولی فقیه میتوانند صلاحیتشان تایید شود، بعد از رای آوردن هم بدون تفویض اختیار از جناب ولی فقیه هیچ فرد منتخبی نمیتواند در این پست قرار گیرد. چون با وجود تمام مراحل کنترل و غریبال قبل از "انتخابات" برای کاندید شدن، در پایان لازم است طبق قانون جمهوری اسلامی ولی فقیه فرد منتخب برای رئیس جمهور را تایید و اختیارات خود را به او تفویض کند. این قانون به این معنا است که ولی فقیه به عنوان نماینده خدا بر روی زمین در عین حال فرمانده کل قوا است و با پشتوانه سپاه پاسداران میتواند و حق دارد

اگر نخواهد اختیار ریاست جمهوری را تفویض کند میتواند یک رئیس جمهور منتخب را هم برکنار نماید. این اختیار برای همه مقامات دیگر جمهوری اسلامی به طریق اولی مجاز شمرده شده است.

چنانچه در دوره بنی صدر این اتفاق افتاد و خمینی صلاحیت او را از راه پس گرفتن اختیار تفویض شده، او را از پست ریاست جمهوری کنار گذاشت. خامنه ای در مقابل مجلس شورای اسلامی دوره ششم حکم حکومتی صادر کرد و مجلس را تابع دستورات خود نمود. در مورد تعیین وزی دولت هم هنگامیکه احمدی نژاد وزیر اطلاعات را برکنار کرد با حکم خامنه ای دوباره ابقا شد. اخیرا هم روحانی قبل از معرفی لیست وزرای کابینه اش به مجلس شورای اسلامی، آرا در اختیار خامنه ای گذاشته است که تایید شرعی و ضمنی از او بگیرد. اینها فقط نمونه هایی است که ابعاد قدرت و نفوذ خامنه ای و سپاه را نشان میدهد. با این توضیحات به این نتیجه میرسیم که کل قدرت اجرایی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در اختیار یک نفر به اسم ولی فقیه است و او به پشتوانه نیروی مسلح سپاه پاسداران و با اتکا به قدرت اقتصادی این ارگان و دیگر ارگانهای تحت اختیار خودش قادر مطلق است.

بنابر این بحث رای و انتخابات و پارلمان و حقوق شهروندی ... فقط یک شوخی بیمزه بیش نیست. روکش و ظاهر مردم فریب انتخابات و سیستم حکومتی که برای مشروعیت بخشیدن به قدرت و اختیار این مقام اسلامی بکار گرفته میشوند هیچ توان و پشتوانه اجرایی مستقلی ندارند. همچنانکه قبلا خاتمی هم گفته بود که رئیس جمهور در این سیستم حکومتی یک تدارکاتچی بیش نیست. زیرا در دنیای واقعی و در قوانین جمهوری اسلامی مردم به عنوان یک شهروند حق رای ندارند. زیرا رای آنها فقط هنگامی مشروعیت می یابد که ولی فقیه نتیجه آرا تایید کند و اختیار خود را به مقامات حکومتی "منتخب مردم" تفویض نماید. حال سوالی که مطرح میشود این است اگر این موارد در جمهوری اسلامی قانونی است پس معنی جنگ جناحها چیست و روند آتی چگونه

خواهد بود؟

**معنی سیاسی و عملی جدال جناحها**

همچنانکه فوقا اشاره شد علیرغم قدرت و اختیارات بی حد و مرز ولی فقیه با اتکا به قدرت اسلحه سپاه و علیرغم پشتوانه نظامی و اقتصادی این عمود خیمه حکومت اسلامی، جناح مقابل چه شانس برای سهم خواهی دارد؟

ابتدا لازم است اینرا بگوییم که جدال این جناحها با همدیگر واقعی و جدی است. جدال دو نیروی قدرتمند در داخل حکومت است که هر کدام از آنها خود را صاحب جمهوری اسلامی میدانند. هر دو آنها برای حفظ رژیمشان هر جنایاتی لازم بوده انجام داده اند. تفاوت این است که جناح مسلط در جمهوری اسلامی هم فرمانده تمام نیروهای مسلح است و هم قوه قضائیه و زندانها و ... را تماما تحت فرمان بی چون و چرای خود دارد و دولت هم باید تابع او باشد. با اتکا به این موقعیت و قدرت تقریبا تمام شریانهای اقتصاد کشور را هم در کنترل خود گرفته است. در چنین سیستمی دامنه و گسترش دایره جناح ناراضی مدام در حال نوسان است.

اگر به تاریخ تحولات جناحهای ناراضی در درون جمهوری اسلامی تحت عنوان اصلاح طلب و اعتدال گرا نگاه کنیم گستره این جناح علیرغم نوسانات آن به دلیل تعادل قوا، مرتب در حال افزایش است. چنانچه بعد از بنی صدر خاتمی از وزیر ارشاد به مقام معترض اصلاح طلب تغییر مکان میدهد و موسوی از مقام نخست وزیر دوره "طلایی خمینی" به اصلاح طلبی روی می آورد و کروی که خود را یار صدیق امام میداند اصلاح طلب میشود و روحانی از نماینده خامنه ای به مقام رئیس جمهوری معتدل میرسد و رفسنجانی از معمار رژیم و یار مدافع خامنه ای به معترضان و اعتدالیون میپیوندد ... این روند همچنان ادامه دارد. زیرا دایره اقتدار خامنه ای و فرماندهان اصلی سپاه که تمام منفذهای قدرت و ثروت جامعه ایران را در کنترل خود گرفته اند، چنان رو به انقباض است که حتی احمدی نژاد و مشایب و بقایای که امید به معجزه چاه جمرکان دارند

و منتظر ظهور امام زمانشان هستند، نوید سرنگونی حاکمان فاسد جمهوری اسلامی را میدهند.

اگر چه همه این جناحها طبق سابقه و تاریخ پرازجناپتشان سازندگان جمهوری اسلامی هستند. اما هر روز تعداد بیشتری از آنها به ناراضیان درون سیستم میپیوندند. دلیل اصلی و پایه ای ناراضیاتی آنها این است که از سهم خود در عرصه قدرت و ثروت راضی نیستند. در عین حال با قرار گرفتن در مقام دولتی و اداره اجرایی جامعه واقعیت سر سخت مطالبات مردم از یک طرف و فشارهای جامعه جهانی از طرف دیگر آنها را ناچار میکنند که برای حفظ جمهوری اسلامی به سیاستهای دیگری غیر از منویات ولی فقیه و گرایش سیری ناپذیر سپاه برای رسیدن به قدرت بیشتر روی بیاورند. بنابر این ناچارا هر روز تعدادی از دایره قدرت و ثروت بی حساب و کتاب جناح حاکم به حاشیه رانده میشوند. اکنون گسترش دامنه جناح ناراضی تا دم در بیت رهبری و داخل یادگانهای سپاه پیش رفته است. تفاوت جدال امروز جناحهای جمهوری اسلامی با دوره های ماقبل خود این است که دایره صاحبان قدرت و ثروت بیش از حد تنگ و غیر قابل تحمل شده است. جناح ناراضی هم گستره دامنه نفوذ خود و ناراضیان درون جبهه مخالف را مبینند و میشناسد. روحانی میداند در حاشیه بیت رهبری و داخل یادگانهای سپاه هم انسجام دوره های گذشته را ندارند و ناراضیانی مبینند که پاشنه آشیل جناح مسلط ولی فقیه و سپاه میباشد. مقاومت روحانی و پاسخهای غیر متعارف او به خامنه ای و سپاه از این جا ناشی میشود.

از طرف دیگر و در خارج از سیستم و نظام حکومتی دو نیروی دیگر به عنوان دشمن در حال صف آرایی هستند. از یک طرف قدرتهای رقیب منطقه ای جمهوری اسلامی با حمایت قدرتهای جهانی صف کشیده اند و با طرح و برنامه خود در پی تضعیف موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی هستند و میخواهند زیاده خواهیهای رژیم را مهار کنند و از طرف دیگر نیروی میلیونها مردم معترض و در راس آنها جنبش کارگری و دیگر

از صفحه ۲ **منشا جدال جناحهای ...**

جنبشهای اجتماعی که رهایی و بهبود زندگی خود را در سرنگونی جمهوری اسلامی میجویند قرار گرفته اند. این دو مولفه و دو قدرت در عین مخالفت با و تقابل با جمهوری اسلامی تفوق هر کدامشان آن یکی را خنثی میکند.

**جدال قدرتهای رقیب با جمهوری اسلامی**

جمهوری اسلامی در تمام دوران حیات خود نتوانست بجز رژیم اسد در سوریه دولتی به عنوان دوست و حامی قابل اعتماد برای خود دست و پا کند. این یک نقطه ضعف جدی و مهم برای هر دولتی محسوب میشود. اما جمهوری اسلامی برای جبران این کمبود و گسترش و تکثیر حکومتهای نوع خود دست به سیاست زد که در کشورهای منطقه جریانات تروریست اسلامی را به عنوان حامی و دست نشانده خود سازمان بدهد. در فلسطین، لبنان، عراق، بحرین، عربستان، افغانستان و پاکستان و یمن و... جمهوری اسلامی با پول و امکانات نظامی و آموزشی توانسته است جریاناتی را به عنوان حامی ایدئولوژی اسلامی شیعی سازمان بدهد. چنانچه اکنون این نیروها در عراق، سوریه، یمن، فلسطین و لبنان مستقما و آشکارا حمایتهای جمهوری اسلامی را تایید و خود جمهوری اسلامی هم سازمان دادن و تقویت آنها و مسلح کردنشان را مایه افتخار خود میدانند. در دیگر کشورها غیر مستقیم و بعضا نه چندان پنهان همین سیاست را پیش میبرد.

این سیاست جمهوری اسلامی دو نتیجه مهم به دنبال داشته است.

از یک طرف جمهوری اسلامی با اتکا به نیروهای اسلامی تروریست توانسته است در تعیین مسیر سیاست کشورهای سوریه و عراق و یمن و فلسطین و لبنان مستقما دخالت کند و به عنوان وزنه ای مهم در تعادل قوای این کشورها به نفع خود از آنها استفاده کند. از طرف دیگر کشورهای رقیب منطقه را به این قناعت رسانده است که جمهوری اسلامی را مهار کنند و دستش را از کشورهای نامبرده کوتاه نمایند. جدال عربستان و کشورهای متحد منطقه ای او با حمایت آمریکا اکنون بیش از همیشه وارد فاز تازه ای در این رقابتها شده است.

ادامه دارد

**فضولی اسلام و مردسالاران در زندگی زنان موقوف!**

مینا احدی

اول باید تابوشکست و به مقررات مبنی بر نوع پوشش و بویژه تحمیل حجاب و به بند کشیدن زنان در قیرهای متحرکی به اسم حجاب نه مدلل لباس نیست، که آنهم مهم است، اینججا بحث و دعوا بر سر موجودیت زنان بعنوان انسان است و جنبش اسلامی برای به بند کشیدن جامعه از زدن زنان شروع میکند و سپس همه مردم را به بند میکشد. فراخوان ما به همه مردم و بویژه مردان اینست از این مبارزات برحق و مهم علیه مشتی لمپن اسلامی دفاع کنید. فرهنگ و اخلاقیات زن ستیزانه و ارتجاعی را باید به زباله دان تاریخ افکند. دیگر بس است!

۸ مرداد ۱۳۹۶

نیست آن نحوه راه رفتن خوب نیست این نحوه خندیدن به نفع پیغمبر نیست و آن نحوه نظر دادن به نفع آل محمد نیست!!

اسلام و حکومتهای اسلامی دستگاه کنترل زنان هستند. اول زنان را در قفسی به نام حجاب به بند میکشند و سپس همه حقوق انسانی آنها را از آنها دریغ میکنند.

در ایران چنین کردند، در افغانستان و سودان و الجزایر چنین کردند و اکنون در ترکیه یک مرد احمق و مذهبی به اسم اردوغان رهبر حزب اسلامی آن کشور همین کار را میخوهد در ابعادی جدید تکرار کند.

این هفته در استانبول صدها زن به این فضولی پیشرفته اسلامیها و مرد سالاران و زن ستیزان نه گفتند.

لباسهای مورد نظر و رنگهای مورد نظر خود را در دست گرفته و فریاد زدند فضولی موقوف.

جنبش اعتراض به مردسالاران و اسلامیهای کثیف و ضد زن باید در همه جا گسترش یابد، در وهله

۴۰ سال است که مشتی ریش و پشم دار اسلامی از گور برخاسته در ایران و افغانستان و عراق و اکنون شدیدتر از قبل در ترکیه، علیه میلیونها زن، رجز خوانی کرده و در جزئیات و کلیات زندگی زنان خود را صاحب نظر و مسئول دانسته و هر چه کثافت از دهانشان بیرون میاید نثار زنان میکنند.

اسلام دین دخالت و فضولی در زنان زندگی است. اسلام دینی است که زن را بشر حساب نمیکند و کنترل جسم و روح زنان را به دست مردان خانواده، آخوند محله و حکومت مبتنی و متکی بر لمپن های اسلامی، می سپارد!

قانون در کشورهای اسلام زده، رسماً علیه زنان است. فرهنگ و سنت اسلامی، در یک کلمه یعنی فضولی و دخالت در مورد راه رفتن، نفس کشیدن، خندیدن، عشق ورزیدن و حتی علائق و تفکر زنان! به این دخالت پیشرفته باید یکبار برای همیشه در این قرن ۲۱ نه گفت!

همه چیز از کنترل ظاهر زنان شروع میشود، این لباس مناسب

از صفحه ۱ **کولبران و بیکاری ...**

کند، چیزی جز ناکامی در حل مشکل بیکاری نیست.

سونامی بیکاری عملابین بست برنامه های دولتهای یازدهم و دوازدهم روحانی است.

باید حق بیکاری یا دستمزد و تامین معیشت را از حلقوم دولت و حکومت اسلامی بیرون کشید. زندگی و معیشت را باید تامین کرد. بیمه بیکاری خواست اصلی کارگران و جوانان تحصیلکرده فاقد موقعیت شغلی است! این خود کارگران و جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاهی هستند که باید فکر تامین زندگی و معیشت باشند. تشکیل تشکل بیکاران در سطح محلی و گسترش این تشکل در سطح سراسری و طرح مطالبه پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد رسمی به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال. در شهرهای کردستان ظرفیت

جامعه تحمیل کرده است. این روند همچنان ادامه دارد. پیامد های اجتماعی بیکاری زیاد هستند. افزایش تعداد کارگران مرزی و کولبر خود نیز حاصل بیکاری مداومی است که وجود دارد.

**مبارزه با بیکاری در شهر و روستاهای کردستان امری عملی و قابل دسترس است.**

جوانان بیکار به مساله مهم و گریزنپذیر دولت روحانی تبدیل شده اند. بیلان سنی جوانان بیکار ۱۵ تا ۲۹ سال است. بیکاری جوانان تحصیلکرده بحران در اقتصاد و سازمان اجتماعی در ایران را حادثر از گذشته کرده است. دولت روحانی با سونامی بیکاری در عمیقترین بحران دولتی قرار گرفته است.

برون رفت از سونامی بیکاری برای دولتی که بجای اشتغال و باز کردن دروازه های مراکز کار، روزانه کارخانه ها را تعطیل میکنند، کارگران را دسته دسته بیکار می



نسان نودینیان

مبارزه با بیکاری وجود دارد. تشکیل تشکل کارگران بیکار علیه بیکاری امری امکان پذیر و عملی است. راه حل مبارزه با بیکاری در گرو سازمان متشکل جوانان و کارگران بیکار است.

ایجاد پاتوق و محل دیدار جوانان بیکار در هر شهری تبادل نظر و گسترش حوزه های فعالیت حول متشکل شدن علیه بیکاری از اهداف این پاتوق ها است.

شعار و خواست کارگران و جوانان تحصیلکرده فاقد موقعیت شغلی کار یا بیمه بیکاری مکفی بالاتر از خط فقر است.

۱ اوت ۲۰۱۷

۱۰ مرداد ۱۳۹۶





## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی



### یکی از فعالین مدنی زن ساکن سقز، از سوی نیروهای اداره اطلاعات بازداشت شد.

نیروهای امنیتی به منزل فاطمه الماسی از فعالین مدنی در سقز یورش و اقدام به بازداشت وی کرده‌اند.

به گفته یکی از نزدیکان فاطمه الماسی، نیروهای امنیتی پس از بازداشت وی اقدام به تفتیش خانه و ضبط وسایل شخصی وی از قبیل کامپیوتر و... کرده‌اند. الماسی پس از ۵ روز بازداشت با تودیع وثیقه ۲۵۰ میلیون تومانی و موقتاً از زندان آزاد شده است.

صبح روز یکشنبه ۸ مرداد ماه؛ این فعال مدنی مجدداً به اداره اطلاعات سقز احضار شد. فاطمه الماسی از معلمین بازنشسته ساکن محله بهارستان سقز طی سالهای گذشته ۳ بار دیگر نیز بازداشت شده بود.

### ماموران انتظامی مریوان مانع دوچرخه سواری زنان شدند

ماموران انتظامی صبح دوشنبه ۲ مرداد از دوچرخه سواری دختران در اطراف دریاچه زریبار در مریوان، جلوگیری کردند. ماموران علاوه بر ممانعت از دوچرخه سواری آنان، دوچرخه های دختران را نیز ضبط کرده و با خود بردند.

سال گذشته در همین ایام در مردادماه ۹۵، ماموران انتظامی از دوچرخه سواری دختران مریوانی برای حضور در کمپین بدون خودرو در حمایت از محیط زیست جلوگیری کرده بودند. اقدامی که اعتراضات بسیاری را در پی داشت.

### جسد زنی ۲۰ ساله اهل اربیل در کویه پیدا شد

به گزارش پلیس بعد از تجاوز، این زن با دو گلوله کشته شده و با پیدا شدن لباس بچه در محل، ضمن آن می رود که کودک روبرو شده. هنوز اطلاع زیادی از شناسایی این زن و چرا کشته شده در دست نیست.

### برای ۵ ساله فوت کرد، بار دیگر تجاوز قربانی گرفت

به گفته رئیس اورژانس اجتماعی، ۱۰ صبح روز دوشنبه نهم مرداد پریا دختر پنج ساله اهل ساوه که هفتم مرداد ماه بعد از آزار جنسی و تجاوز به کما رفته بود، فوت شد.

### قوانین بیمارستانها در مورد حجاب پرستاران سختگیرانه تر میشود

دبیر کمیسیون بهداشت مجلس گفت: ضوابط و مقررات بیمارستانها در بحث حجاب پرستاران باید سختگیرانه تر باشد. بشیر خالقی اضافه کرد: متأسفانه با ورود به برخی بیمارستانها با پرستاران و پرسنل‌هایی روبرو می شویم که محیط درمانی را با سالن مد و آرایش اشتباه گرفته اند.

### دختران دانشجوی شاهرود دست به اعتراض زدند

روز دوشنبه دوم مرداد، دانشجویان دختر در دانشجویمان علوم پزشکی واحد شاهرود - دانشگاه آزاد، در اعتراض به شرایط نامناسب تحصیلی، از حضور در جلسه امتحان خودداری کرده و دست به تجمع زدند.

### زنان بار دیگر از ورود به ورزشگاه در تهران بازماندند

عصر یکشنبه اول مرداد مسئولان ورزشگاه انقلاب تهران از حضور زنان در ورزشگاه برای تماشای بازی فوتسال میان دو انجمن دانشجویی، ممانعت به عمل آوردند.

این اقدام با وجود وعده قبلی مسوولان مسابقه، مبنی بر امکان حضور زنان در ورزشگاه صورت گرفت. اقدام مسوولان، اعتراض گسترده ای را در میان تیم های مسابقه دهنده به دنبال داشت. آنها گفتند، در صورت ادامه این روند از ادامه بازی سرباز خواهند زد.

### تظاهرات زنان در استانبول: فضول لباس من نباش

صدها زن در استانبول در

اعتراض به خشونت لفظی و فیزیکی مردان علیه نوع پوشش زنان به خیابانها آمدند. در ماههای گذشته در استانبول در چندین مورد زنان به دلیل پوشیدن شلوار کوتاه قربانی خشونت مردان در ملاعام شده‌اند. به گزارش دویچه وله، این تظاهرات روز شنبه با شعار "به لباس من کاری نداشته باش" از منطقه کادیکوی در بخش آسیایی استانبول شروع شد. زنان با سر دادن شعارهای مختلف، شلوارکهای جین را به عنوان نمونه‌ای از لباس‌هایی که برخی مردان آن را غیرقابل قبول می‌دانند، به شکل پلاکارد بالای سر برده بودند.

### زنان تونس به یک پیروزی تاریخی دست یافتند.

این پیروزی نتیجه چند دهه مبارزات آنان بویژه پس از انقلاب تونس است. تلویزیون فرانسه ۲۴ جمعه ۶ مرداد ۹۶: تصویب قانون منع خشونت علیه زنان در مجلس تونس یک تصمیم تاریخی بوده است. در این مصوبه قانونگذاران به نفی انواع خشونت‌های اخلاقی و فیزیکی و جنسی و اقتصادی علیه زنان رأی دادند. با در نظر گرفتن رهنمودهای سازمان ملل و تساوی جنسی، این اولین قانون است که به طور خاص زنان را از خشونت حفظ می‌کند.

این قانون هر نوع استثنایی را که علیه زنان باشد لغو می‌کند. نماینده مجلس تونس در دفاع از ضرورت این قانون می‌گوید: ازدواج یک دختر ۱۳ ساله با یک مرد ۴۰ ساله شرم آور است و تاریخ فراموش نمی‌کند.

این قانون، هتک حرمت زنان در اماکن عمومی را جرم محسوب می‌کند. مجازاتهای سخت‌تری هم برای خشونت‌ها در داخل خانواده تعیین شده است. این قانون حمایت‌های حقوقی و معنوی برای قربانیان تأمین می‌کند.

برای مدافعان حقوق زنان تونس که چند دهه است بدنبال قانون منع خشونت‌های محلی بودند، این مصوبه یک پیروزی بوده است.

حدود نیمی از زنان تونس به‌نحوی قربانی خشونت‌های داخلی در زندگیشان بوده‌اند. اما اکنون تونس در زمینه حقوق زنان در جهان عرب

## ده کارگر بازداشتی هفت تپه آزاد شدند کارگران نیشکر در مقابل دادگاه حضور داشتند

اما کارگران قاطعانه اعلام کردند که به اعتصاب تا آزادی همکارانشان و تحقق سایر خواست های خود دست از اعتصاب و تجمع برنخواهند داشت. ایستادگی کارگران برای آزادی همکارانشان سبب شد که امروز ده نفر از کارگران که همچنان در بازداشت بودند از زندان آزاد شدند.

حزب کمونیست کارگری بازداشت کارگران نیشکر و پرونده سازی علیه آنها را شدیداً محکوم میکند و به کارگران این کارخانه

بدلیل اتحاد و همبستگی و رزمندگی و پافشاری بر مطالبات بحق خود صمیمانه درود میفرستد و آزادی کارگران را که با مقاومت و اتحاد کارگران حاصل شده است به کلیه کارگران و خانواده هایشان تبریک میگوید. کارگران هفت تپه جرمی مرتکب نشده اند که محاکمه شوند. مجرم سرکوبگران کارگراند و امثال سیامک افشار مدیر عامل مفتخور که با حمایت ارگانهای حکومتی مزد کارگران را ماهها پرداخت نکرده است. هر نوع وثیقه و پرونده سازی علیه کارگران باید ملغی شود، به امنیتی کردن اعتراضات باید پایان داده شود و به خواست های کارگران شاغل و بازنشسته فوراً رسیدگی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۷ مرداد ۱۳۹۶  
۲۹ ژوئیه ۲۰۱۷

طبق گزارشی که به حزب رسیده است امروز ۷ مردادماه ده نفر از کارگران نیشکر هفت تپه که روز سوم مرداد دستگیر شده بودند با قید وثیقه از زندان دزفول آزاد شدند. ۵ کارگر دیگر بازداشتی نیز قبلاً آزاد شده بودند. کارگران بازداشتی در دادگاه جمهوری اسلامی در شوش محاکمه شدند و همزمان تعداد قابل توجهی از همکاران آنها از نیشکر هفت تپه در مقابل دادگاه دست به تجمع زده بودند تا حمایت خود را از رفقای خود اعلام کنند.

سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه اسامی ۹ نفر از کارگرانی که امروز آزاد شدند را به این شرح اعلام کرده است: رستم و حمید عبدالله زاده، احمد و یعقوب الکثیر، عادل سماعین، ابراهیم ظهیری، بهزاد نظری، صباح سواری و احمد مرادی.

طبق گزارشی از اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران نیشکر امروز هم به اعتصاب و تجمع خود ادامه دادند. طبق این گزارش قائم مقام شرکت از کارگران خواست که سه نماینده برای مذاکره انتخاب کنند اما کارگران حاضر به انتخاب نماینده نشدند و اعلام کردند که در میان کارگران صحبت‌تان را بکنید. بدنبال پافشاری کارگران مدیر عامل و قائم مقام شرکت وعده آزادی کارگران را دادند و از کارگران خواستند به اعتصاب پایان دهند

پیشرو است. ۲۰۳۰ یونسکو است که در این قوانین جدید چیزی شبیه قوانین کشور تصویب شده است!\*



علیه تبعیض

## اعمال فشار بر وثیقه گذاران جعفر عظیم زاده را قویا محکوم میکنیم

پس از اخطارهای رسمی مبنی بر مصادره ملک مسکونی پروین محمدی (کارگر بازنشسته کارخانجات صنایع فلزی و نایب رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران (به عنوان یکی از وثیقه گذاران جعفر عظیم زاده، دادستانی تهران طی ابلاغیه ای، یکی دیگر از وثیقه گذاران ایشان را که کارگر بازنشسته یکی از کارخانجات قدیمی و مهم کشور است تهدید به مصادره وثیقه ملکی کرد.

جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران به عنوان انسانی مسئول، توأم با دغدغه برای وثیقه گذاران، حاضر به پذیرش رویه غیر قانونی و ضد کارگری دولت روحانی و قوه قضائیه نیست و همانطوریکه که در مصاحبه هایی که در طول سال گذشته اعلام کرده است قصد تسلیم شدن داوطلبانه در برابر بی قانونی های قوه قضائیه و دولت روحانی را ندارد و حاضر به رفتن به زندان نیست مگر اینکه تحت بازداشت اجباری به زندان منتقل شود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران اعمال فشار بر یکی دیگر از وثیقه گذاران جعفر عظیم زاده را در راستای سیاستهای جدید اعمال سرکوب بر علیه حق خواهی جنبش کارگری، جنبش اعتراضی معلمان و توده های زحمتکش و آزاده مردم ایران ارزیابی میکند که طی روزهای گذشته منجر به ربودن اسماعیل عبدی از مقابل منزل و بازداشت

اتحادیه آزاد کارگران ایران هفتم مرداد ماه ۱۳۹۶



دیگر پس است! ما بیش از این تحمل نخواهیم کرد.

گفتیم تشکلهای باید مستقل بمانند، گفتند حرف سیاسی نزن!

گفتیم معلمان گرسنه اند، گفتند تو کمونیستی!

گفتیم چرا اتهام میزنید، گفتند بی چشم و رو هستی!

گفتیم با سنت های غلط مخالفیم، گفتند کمر به نابودی کانون بسته اید!

گفتیم ما برای کار کردن آمدم، گفتند فراقسیون زده اید!

گفتیم از به خیابان آمدن معلمان حمایت می کنیم، گفتند اسامی تان را اعلام کنید!

گفتیم از آن معلم زندانی بوشهری دفاع کنید، گفتند اپوزیسیون اید!

گفتیم با کیش شخصیت مخالفیم، گفتند به بزرگان توهین نکنید!

گفتیم پایبند به مصوبات باش، گفتند تو نمی فهمی!

گفتیم کانون حیات خلوت هیچ جناحی نیست، گفتند به حاکمیت التزام داشته باش!

گفتیم ناعدالتی در جامعه را بر نمی تائیم، گفتند قدر بی ادبی!

بارها و بارها فحش دادند، اتهام زدند و پرخاش کردند، ولی ما با لیخندی از کنارش گذشتیم چرا که اندیشه ای جز بهبود وضعیت معلم در سر نداریم.

یاسر ریگی

از صفحه فیس بوک محمد آسنگران

ناسیونالیسم و اسلامیسیم دو روی يك سکه اند

فکر میکنم مردم ایران با شعورتر از آن هستند بشود به جای اسلام وحشی ۱۴۰۰ سال قبل شاه

به همان اندازه وحشی ۲۵۰۰ سال قبل را به آنها خوردند. این مردم هر دو اینها را تجربه کرده و بالا آورده اند. مردم ناچار نیستند بین شاهان

و آخوندها یکی را انتخاب کنند. مردم امروز خودشان را دارای شخصیت و کرامت میدانند. این دو تجربه تلخ را تکرار نخواهند کرد. ناسیونالیسم و اسلامیسیم دو روی يك سکه اند.

رزی

رزی

رزی

رزی

رزی

رزی

رزی

رزی

رزی

رزی

## نگاه هفته:

### مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان



نسان نودینیان

### زانیار و لقمان مرادی از سوی مسئولین زندان برای شکست اعتصاب غذا زیر فشار مضاعف قرار گرفته اند.

حمید بابایی، سعید پورحیدر، پیمان کوشیباغی و عادل نعیمی طی ۲۴ ساعت گذشته به بهداری اعزام شدند.

در پی خودداری زندانیان سیاسی سالن ۱۲ بند ۴ زندانیان رجایی شهر از انتقال به سالن ده، گارد زندان به زندانیان حمله کرد.

اگرچه در نهایت زندانیان محبوس در سالن ۱۲ منتقل شدند، اما بخشی از وسائل شخصی آنها از بین رفت.

زانیار و لقمان مرادی توسط قاضی صلواتی رییس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به اتهام «محرابه» و «مفسد فی الارض» در چهارشنبه اول دی ماه ۱۳۸۹ به اعدام محکوم شده اند.

در دفاع از جان و حق حیات زانیار و لقمان مرادی و زندانیان سیاسی در داخل کشور و در سطح بین المللی کارزارهای حمایتی در جریان است.

ما هر نوع فشار امنیتی و پلیسی مسئولین زندان های جمهوری اسلامی به زندانیان را محکوم میکنیم.

ما خواهان آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی هستیم.

ما هر نوع فشار امنیتی و پلیسی مسئولین زندان های جمهوری اسلامی به زندانیان را محکوم میکنیم.

ما خواهان آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی هستیم.

ما خواهان آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی هستیم.

ما خواهان آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی هستیم.

ساکن روستای حسن آباد سندج در حین کار در یک ساختمان ۳ طبقه در روستای "اسوله" در حومه سندج سقوط کرده و متاسفانه در دم جان خود را از دست می دهد.

از این طریق انجمن کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد حادثه فوت این کارگر زحمتکش را به خانواده و تمامی هم صنفی هایمان در استان تسلیت عرض می کنیم امید است دیگر شاید همچنین حوادث تلخی برای کارگران نباشیم

کانال ندای کارگر

### آمار وحشتناک وزارت کار از قراردادهای موقت

۹۰ درصد قرارداد کارگران ۱ تا ۳ ماهه است!

وضع امنیت شغلی کارگران و قراردادهای موقت کار نامطلوب است!

کانال ندای کارگر

### آزادی کولبر اهل سردشت از زندان

روز ۸ مردادماه ۱۳۹۶ شمسی، "ابوبکر مولانیا" کولبر اهل "سردشت" پس از گذشت ۷۰ روز بیخبری از زندان آزاد شد.

در روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ پس از سفر ابوبکر مولانیا به شهرستان "ماکو" جهت دیدار با خانواده همسرش، توسط حفاظت اطلاعات این شهر بازداشت شد و به زندان مخصوص حفاظت منتقل و تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفت. به گفته يك منبع موقت، ابوبکر اظهار داشته که تنها اتهامش همکاری مالی به برادرش بوده که از دست اطلاعات فراری شده و در کشور ترکیه بسر میرید.

### جان باختن يك کارگر ساختمانی در منطقه سندج

کارگران قربانی ناامن بودن محیط کار می شوند. ناامن بودن محیط کار یکی از فاجعه های جامعه سرمایه داری است که روزانه جان چندین نفر از کارگران و بخصوص در بخش کارهای ساختمانی را در ایران می گیرد.

بر اساس خبر دریافتی روز یکشنبه یکم مرداد ۹۶، کارگری به نام هوشیار محمدی اهل روستای خواست از توابع مریوان و

عبدالخواه

دنيا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون خطر سوسیالیسم منجلابی بیش نخواهد بود.



## از دادخواست خانواده‌های جانب‌اختگان دهه شصت قویا حمایت می‌کنیم!

بنا به گزارش سایت بیداران خانواده‌های پنج‌جاه نفر از جانب‌اختگان دهه شصت در تهران و شهرستان‌ها که ناشان نزد این سایت محفوظ است، در تداوم تلاش‌های ما برای دادخواهی در ایران انجام می‌دهند، دادخواستی را به گزارشگر ویژه سازمان ملل برای وضعیت حقوق بشر در ایران سپرده‌اند. در بخشی از این نامه می‌خوانیم:

اسلامی ایران صورت گرفت، تحت قوانین بین‌المللی می‌تواند مصداق «جنایت علیه بشریت» باشد. در بخش پایانی این نامه خطاب به عاصمه جهانگیر ضمن اشاره به اینکه جمهوری اسلامی علیرغم پیگیری‌های مداوم خانواده‌ها، دادخواست‌ها و درخواست‌های آنها را بی پاسخ گذاشته است چنین آمده است:

«ما به چنین وضعیتی معترض هستیم و انتظار داریم در حالی که مسئولان جمهوری اسلامی حقوق ما را برای دادخواهی نادیده می‌گیرند، از طریق نهادهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی فشار وارد شده تا شرایطی برای امکان طرح و پیگیری دادخواست‌های قربانیان قتل‌های سیاسی و فرافضائی و کشتار مخالفان و منتقدان در ایران در دادگاهی عادلانه میسر شود.

علاوه بر آن سرنوشت بسیاری از بستگان ما نامعلوم است. ما از چگونگی محاکمه و قتل آن‌ها بی اطلاع هستیم و بسیاری در گورهای بی نام و نشان فردی و بسیاری در گورهای جمعی به خاک داده شده‌اند. ما خانواده‌ها به طور مداوم در زیر فشارهای ماموران امنیتی قرار داریم و می‌خواهند به هر طریق ممکن ما را از حضور در محل دفن اعدام شدگان، به ویژه گورستان خاوران که به همت مادران و خانواده‌های خاوران و با حمایت فعالان مدنی و سیاسی به یکی از مهم‌ترین سمبل‌های نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در ایران تبدیل شده است، محروم کنند. ما تقاضا داریم که رسیدگی به این مسائل، در زمره دستور کار گزارشگر ویژه سازمان ملل برای وضعیت حقوق بشر در ایران قرار گیرد.

ما امضاکنندگان زیر از مادران و خانواده‌های خاوران و دیگر خانواده‌های جانب‌اختگان دهه ۶۰ از سراسر ایران، علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام جرم می‌کنیم. ما شاهد بوده‌ایم که؛ مسئولان جمهوری اسلامی ایران از ابتدای به قدرت رسیدن، هزاران تن از فرزندان و عزیزان ما را بدون هیچ نوع دادرسی عادلانه اعدام کردند. در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ روزی نبود که خبر اعدام عزیزی را به صورت فردی و گروهی نشنویم و اوج این جنایت‌ها، قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ بود. چند روز پس از پذیرش قطع‌نامه سازمان ملل مبنی بر پایان جنگ بین ایران و عراق حدود ۴۰۰ تا ۴۵۰ زندانی، بر مبنای آمارهای موجود، اعدام شدند. تقریباً تمام این زندانیان پیشتر در دادگاه‌های انقلاب به طور ناعادلانه به حبس محکوم شده بودند و دوران حبس خود را در زندان می‌گذرانند و حتی تعدادی محکومیت‌شان پایان یافته بود و بایستی آزاد می‌شدند».

در بخش دیگری از این نامه ضمن اشاره به نوار منتظری و تایید این جنایات از جانب وی آمده است که این کشتارها که به فرمان خمینی و از طریق سیستم قضائی و سیستم اطلاعاتی و امنیتی و با اطلاع بخشی از مسئولان جمهوری

ما همچنین خواهان همکاری بیش از پیش گروه کاری ناپدید شدگان قهری در پیگیری وضعیت انبوهی از کشته شدگان مان که سرنوشت نامعلومی دارند، می‌باشیم. در انتها با هم بر خواسته‌های خود که بیش از ۳۵ سال است در پی آن‌ها هستیم، تاکید می‌نماییم:

۱- عزیزان ما به چه جرمی بازداشت و چرا در دادگاه‌های مخفی و بدون حضور وکیل محاکمه شدند.  
۲- آمران و عاملان کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت چه کسانی هستند.  
۳- دلایل اعدام زندانیان سیاسی دهه شصت به طور علنی اعلام و اسامی و مشخصات و چگونگی کشته شدن آن‌ها در سامانه اینترنتی فوت شدگان کشور ثبت شود.

۴- محل دفن اعدام شدگان دهه شصت به طور دقیق و با مستندات قابل قبول به خانواده‌ها اعلام شود.  
۵- وصیت‌نامه زندانیان سیاسی و دیگر وسایل زندانیان به خانواده‌ها تحویل داده شود.  
۶- خانواده‌ها حق نشانه گذاری و آراستن گور عزیزشان را داشته باشند.

۷- خانواده‌ها بتوانند در گورستان‌ها و منازل، آزادانه مراسم یادبود برگزار کنند.

۸- حق ما برای دادخواهی به رسمیت شناخته شود تا بتوانیم برای روشن شدن موارد فوق، شکایت‌های قانونی خود را پیگیری و یا شکایت‌های جدید خود را بدون نگرانی از پیگرد و اذیت و آزار نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران، به سازمان‌های مربوطه در داخل کشور تحویل دهیم و موارد را تا رسیدن به نتیجه‌ی قابل انتظار در وضعیت موجود، پیگیری نماییم».

کمیته بین‌المللی علیه اعدام از خواست خانواده‌های جانب‌اختگان دهه شصت قویا حمایت می‌کند و همگان را به اعلام همبستگی با آنها فرامی‌خواند.

خانواده‌ی اعدام شدگان که خواهان امضای این دادخواست هستند، می‌توانند با نوشتن نام و نام خانوادگی خود و نسبت با فرد جانب‌اخته، شناسه‌های فرد جانب‌اخته شامل نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، وابستگی سازمانی و

کمیته بین‌المللی علیه اعدام  
۱۰ مرداد ۱۳۹۶ - ۱۱ اوت ۲۰۱۷

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوند:  
Sweden  
Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

آلمان:  
Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: ۵۸۲۶۵۷۰۲  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

کانادا:  
Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga  
L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

هلند:  
Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVTVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

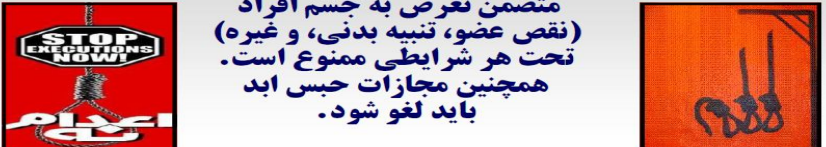
آمریکا:  
Bank of America  
277 G street Blaine, Wa 98230  
phone# 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 41581083  
checking (99)  
wire: ABA routing #026009593  
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۷۷۹۸۱  
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می‌توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:  
سیامک بهاری: 0046739868051  
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای‌میل آدرس تماس با سردبیر  
Tel: 00358 405758250  
E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



# سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!